

بررسی سازوکارهای توسعه سرمایه اجتماعی در نظام آموزش عالی کشاورزی ایران

فرحناز رستمی^{۱*}، حسین شعبانعلی فمی^۲، خلیل کلانتری^۳ و محمد علی محمدی^۴
۱، دانش آموخته دکتری دانشگاه تهران و عضو هیات علمی گروه ترویج و توسعه روستایی، دانشگاه رازی
کرمانشاه، ۲، ۳، دانشیار و استاد دانشکده اقتصاد و توسعه کشاورزی دانشگاه تهران،
۴، عضو هیات علمی گروه رفاه اجتماعی (دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی)
(تاریخ دریافت: ۸۸/۸/۱۳ - تاریخ تصویب: ۸۸/۱۲/۱۹)

چکیده

ظهور اقتصاد مبتنی بر توانایی و الزامات اجتماعی - اقتصادی و حرکت در جهت جامعه دانش محور طلب می‌کند تا مفاهیم نظری دیگری از جمله سرمایه اجتماعی، برای تحلیل شکل گیری مهارت‌های پایه و توسعه این مهارت‌ها در نظام آموزش عالی مورد توجه قرار گیرد. در این مقاله به بررسی سازوکارهای توسعه سرمایه اجتماعی در نظام آموزش عالی (کشاورزی) ایران پرداخته شده و جامعه آماری مورد مطالعه آن ۱۷۷ نفر از دانشجویان مقطع کارشناسی رشته های علوم کشاورزی در پنج دانشگاه؛ تهران، رازی کرمانشاه، لرستان، شیراز و کرمان می باشند که با استفاده از طیف لیکرت به بررسی سازوکارهای طراحی شده در راستای توسعه سرمایه اجتماعی در آموزش عالی (کشاورزی) پرداخته اند. نتایج تحلیل عاملی طیف طراحی شده تحقیق نشان دهنده تبیین ۶ مولفه از مولفه های سرمایه اجتماعی (مشارکت اجتماعی، اعتماد اجتماعی، آگاهی و شناخت، امنیت اجتماعی، سرمایه فرهنگی و انسجام اجتماعی) با درصد تبیین ۷۴/۳۷ واریانس کل می باشد. نتیجه مذکور حاکی از قابلیت پیگیری و تلاش در جهت اجرایی نمودن سازوکارهای طراحی شده به منظور توسعه سرمایه اجتماعی در آموزش عالی (کشاورزی) و آرایه مهارت‌های اجتماعی مورد نیاز به دانش آموختگان دارد.

واژه‌های کلیدی: سرمایه اجتماعی، مشارکت اجتماعی، اعتماد اجتماعی، آگاهی و شناخت، امنیت اجتماعی، سرمایه فرهنگی، انسجام اجتماعی.

مقدمه

اقتصادی^۱ و گرایش برای حرکت در جهت جامعه دانش محور ایجاب می‌کند تا مفاهیم دیگری از جمله سرمایه اجتماعی، برای تحلیل شکل گیری مهارت‌های پایه و توسعه محتوایی آموزش عالی مورد توجه قرار گیرد. نظریه سرمایه انسانی که هدف عمده آن تربیت

گسترش انبوه و کمی آموزش عالی در ایران و بسیاری از کشورهای در حال توسعه جهان، بر اساس مفروضات نظریه اقتصادی سرمایه انسانی بوده است. اما ظهور اقتصاد مبتنی بر توانایی و الزامات اجتماعی -

1. Socio-economic oriented society

در نظام برنامه‌ریزی آموزش عالی تعریف شود. برای مثال او پیشنهاد می‌کند آن دسته از مهارت‌های ارتباطی که احترام، اعتماد، یکدلی و مهارت‌های گروهی مانند حل تضاد، حل مساله مشارکتی و تصمیم‌گیری گروهی را ایجاد می‌کند، باید به عنوان مهارت‌های اساسی در سطوح لیسانس آموزش داده شود. با انجام این کار، مسلماً دانشگاه‌ها قادر خواهند بود افراد مسئول و توانمندی برای مشاغل مختلف و همچنین شهروندانی مسئول و آگاه را برای جامعه پرورش دهند. این مهارت‌ها در کشورهای مختلف به نام‌های متفاوتی معروف می‌باشند. قبلاً در انگلستان از آنها به عنوان مهارت‌های اصلی و اخیراً به نام مهارت‌های کلیدی^۱ نام برده شده است. در حالی که در استرالیا از واژه شایستگی‌های کانونی^۲، در نیوزلند از واژه مهارت‌های ضروری^۳، در آمریکا از واژه مهارت‌های عمومی^۴ و در کانادا به نام مهارت‌های استخدامی^۵ استفاده می‌شود (McLaughlin, 1995). نویسندگانی مانند et al. (Greanan et al., 1997) و (Gibbs et al., 1994) از واژه مهارت‌های انتقال پذیر^۶ به منظور توصیف این مهارت‌ها استفاده نموده‌اند. در مقابل برخی دیگر از نویسندگان به این مهارت‌ها به عنوان مهارت‌های پایه اشاره کرده‌اند (Franklyn et al., 1998). (Carnevale et al., 1990).

بنابراین ملاحظه می‌شود که توجه به این نوع مهارت‌ها در جریان تحولات اقتصادی و اجتماعی دنیای معاصر، امری ضروری و بدیهی به نظر می‌رسد. بی‌شک حلقه اتصال آموزش عالی به طور اعم و آموزش عالی کشاورزی به طور اخص با سرمایه اجتماعی را باید در شناسایی سازوکارهایی که منجر به توسعه مولفه‌های سرمایه اجتماعی (اعتماد، انسجام، مشارکت و ...) در قالب بخشی از مهارت‌های اساسی قابل انتقال در این بخش از نظام آموزشی باید جستجو کرد.

کانون‌های شکل‌گیری سرمایه اجتماعی و جایگاه آموزش عالی (کشاورزی) در آن کانون‌های مهم شکل‌گیری سرمایه اجتماعی شامل:

انسان ماهر است، توسط اقتصاددانانی مانند (Schultz, 1961) و (Becker, 1964) مطرح گردید. سرمایه انسانی به دانش، مهارت‌ها، ویژگی‌های اسنادی و درونی نهفته در افراد اطلاق می‌شود که رفاه اقتصادی، اجتماعی و فردی را تسهیل می‌سازد. اخیراً نظریه پردازانی چون (Lucas, 1988)، (Barro, 1991)، (Barro & Lee, 1996)، (Mankiw et al., 1992) به نقش نهادهای آموزشی در توسعه سرمایه انسانی و رشد اقتصادی اشاره کرده‌اند. گذشت بیش از ۴۰ سال از آرایه نظریه سرمایه انسانی، نتوانست جوابگوی تفاوت بازدهی پایین اقتصادی انسان‌های ماهر در جوامع با روابط مکانیکی، در مقایسه با بازدهی بالای اقتصادی انسان‌های ماهر در جوامع با روابط ارگانیکی شود. ناکارآمد بودن نظریه سرمایه انسانی با تاکید بر کسب مهارت‌های حرفه‌ای و تربیت انسان‌های ماهر موجب مطرح شدن مساله "معمای رشد" از دیدگاه اقتصاددانان شد. حل این معما در گرو شناخت مهارت‌های ضروری دیگری، علاوه بر مهارت‌های حرفه‌ای نیروی انسانی بود. این مهارت‌ها که عامل اثر هم افزایی مهارت‌های حرفه‌ای نیروی انسانی بود، مهارت‌های اجتماعی نام گرفتند که مجموعه آنها بخشی از ثروت نهفته جوامع یا "سرمایه اجتماعی" هر جامعه را تشکیل می‌داد. بر اساس شواهد موجود در ارتباط با تغییرات اقتصادی و اجتماعی، امروزه تاکید بر این است که برنامه‌های آرایه شده در دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی در قرن ۲۱ باید منطبق بر نظریه یادگیری معنی‌دار برای زندگی در قرن ۲۱ و هماهنگ با نیازهای اجتماعی باشد. یادگیری معنی‌دار در قرن ۲۱ حرکت از دیدگاه سنتی یادگیری (تغییر در دانش، بینش و نگرش و کسب مهارت‌های عملی) به دیدگاه نوین یادگیری (تغییر در دانش، بینش و نگرش، کسب مهارت‌های عملی و کسب مهارت‌های اجتماعی) می‌باشد و نیازهای اجتماعی نیز ریشه در نیازهای بازار کار، دانش و مهارت‌های اجتماعی مورد نیاز (مسئولیت‌پذیری، تعامل و ارتباطات متقابل) دارد (Sim, 1998). از دیدگاه (Portes, A. & P. Landolt, 1996)، دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی، یکی از کانون‌های مهم سازنده سرمایه اجتماعی هستند. برای تحقق این امر باید فعالیت‌ها و برنامه‌های آموزشی خاصی

1. Key Skills
2. Key Competencies
3. Essential Skills
4. Generic Skills
5. Employability Skills
6. Transferable Skills

سمت نهادهای آموزشی منتقل شده است. چرا که بسیاری از والدین حتی با سرمایه انسانی و اجتماعی بالا به خاطر اشتغال، فرصت انتقال این سرمایه را به فرزندان خود ندارند. از طرفی گسترش و پیچیدگی‌های زندگی شهرنشینی و صنعتی، مکانیکی شدن ارتباطات در این جوامع و تغییر ارزش‌های اجتماعی، منجر به کم‌رنگ شدن نقش روابط اجتماعی در شکل‌گیری سرمایه اجتماعی افراد که لازمه آن روابط و همبستگی‌های قوی اجتماعی و ارتباطات ارگانیکی است، شده است. این امر منجر به توجه و سرمایه‌گذاری در نهادهای آموزشی به منظور انتقال مهارت‌های اجتماعی و توسعه سرمایه اجتماعی در افراد شده است.

در راس این نظام‌های آموزشی، نظام آموزش عالی قرار دارد. چرا که برونداد این نظام، نیروی انسانی تربیت شده‌ای است که هم سرمایه انسانی است (یک نیروی انسانی با داشتن دانش و مهارت)، هم سرمایه اقتصادی (نیروی انسانی آماده برای ورود به چرخه اقتصاد، کار و تولید) و هم می‌تواند یک سرمایه اجتماعی برای جامعه خود باشد. (این امر مستلزم کسب مهارت‌های اجتماعی و تقویت و توسعه مولفه‌های سرمایه اجتماعی در او می‌باشد). نظام آموزش عالی به طور اعم و نظام آموزش عالی کشاورزی به طور اخص که مسئولیت تربیت بخشی از نیروی انسانی مورد نیاز جامعه را بر عهده دارد، می‌توانند نقش مهمی در شکل‌گیری و توسعه سرمایه اجتماعی این بخش از بروندهای خود داشته باشد، چرا که می‌تواند چشم‌اندازهای روشنی از تعامل اجتماعی و ایفای نقش و مسئولیت‌پذیری را به طور عملی و تئوری به دانشجویان انتقال دهد.

مولفه‌های سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی یک مفهوم کلی و چند بعدی است که درک ماهیت و دستیابی به آن مستلزم شناخت و توسعه ابعاد، عناصر یا مولفه‌های تشکیل‌دهنده آن است. با وجود تنوع نظرات محققان و نظریه پردازان سرمایه اجتماعی در مورد مولفه‌های تشکیل‌دهنده آن، مولفه‌های مورد قبولی وجود دارند که عموم نظریه پردازان بر سر آن توافق دارند. این مولفه‌ها که سازوکارهای چگونگی توسعه آنها در آموزش عالی کشاورزی، در تحقیق حاضر مورد بررسی قرار گرفته

خانواده، اجتماع و نظام‌های آموزشی می‌باشند. (Coleman, 1994) در مطالعات خود به بررسی نقش خانواده، اجتماع و نظام‌های آموزشی در شکل‌گیری سرمایه اجتماعی افراد پرداخت. کلمن شواهدی ارائه داد که اگر والدین تحصیلات و موقعیت شغلی (سرمایه انسانی) بالایی داشته باشند شرط لازم و کافی برای تشکیل سرمایه انسانی در فرزندان نیست، بلکه باید سرمایه اجتماعی نیز در خانواده وجود داشته باشد. بدین معنا که والدین باید با فرزندان خود دارای وابستگی باشند که براساس آن حاضر به تخصیص بخشی از وقت و امکانات مالی خود برای تحصیل و آموزش فرزندان باشند، چرا که عکس این قضیه نیز ثابت شد؛ در مطالعات او خانواده‌هایی با سطح سرمایه انسانی پایین‌تر والدین (تحصیلات و موقعیت شغلی) وجود داشتند که به دلیل دارا بودن سطح بالای سرمایه اجتماعی در خانواده (وابستگی، ارتباط، اعتماد، مسئولیت‌پذیری و مشارکت دادن فرزندان در تصمیم‌گیری برنامه‌های زندگی) توانسته بودند سطح بالایی از سرمایه انسانی (سطح تحصیلات، موفقیت شغلی، سلامت روحی و روانی و شخصیتی) را برای فرزندان خود به وجود آورند. (Aston et al., 1999) اشاره می‌کنند؛ سرمایه اجتماعی، وقتی در خانواده‌ها بالا باشد موجب می‌شود، ارتباطات افراد با محیط اجتماعی بیشتر شده، شخصیت اجتماعی و موقعیت‌های تحصیلی و شغلی آنها نیز بهتر باشد.

بعد از خانواده، محیط اجتماعی دومین نهادی است که فرد با آن در ارتباط بوده، ارتباطات و تعاملات خود را با گروه‌ها و شبکه‌های اجتماعی که انتقال‌دهنده بخشی از مهارت‌های اجتماعی به او هستند، آغاز می‌کند. نقش این نهاد به خصوص در اجتماعات هم‌بسته (اجتماعاتی که در آنها روابط اجتماعی مبتنی بر روابط خویشاوندی است) بسیار محسوس‌تر است. سرمایه اجتماعی این جوامع، همواره از فرد و منافع او در مقابله با حوادث و ناملایمات احتمالی پشتیبانی می‌کند. اما امروزه با صنعتی شدن جوامع و تغییر ارزش‌های اقتصادی - اجتماعی مبتنی بر جوامع دانش‌محور، روند شکل‌گیری سرمایه اجتماعی از نهاد خانواده و اجتماع به

است عبارتند از:

- انسجام اجتماعی (وجود تعلق جمعی و تعامل

میان افراد جامعه با پذیرش و درونی کردن ارزشها و هنجارهای مشترک): انسجام اجتماعی به معنای حمایت افراد یک گروه یا جامعه از همدیگر، بهره‌مندی از احساس پذیرش از سوی دیگران و احساس راحتی در گروههایی است که افراد در آنها عضویت یا مشارکت داشته باشند (Krishna & Elizabeth, 2000) ؛ (Grootaert, 2005).

- سرمایه فرهنگی: سرمایه فرهنگی که در برخی

منابع از آن به نام ارزشهای فرهنگی نیز یاد می‌شود، یکی دیگر از مولفه‌های سرمایه اجتماعی است که اولین بار توسط (Bourdieu) جامعه‌شناس فرانسوی در سال 1986 وارد ادبیات سرمایه اجتماعی شد. از دیدگاه بوردیو این سرمایه مجموعه‌ای است از نمادها، سمبلها، ارزشها، باورها، آداب، رسوم و اعتقاداتی که در طول تاریخ شکل گیری هر جامعه‌ای انباشته می‌شود و از نسلی به نسل دیگر منقل می‌شود و افراد جامعه آن را از بدو تولد ابتدا از نهاد خانواده و سپس از اجتماع و نهادهای آموزشی (رسمی و غیر رسمی) کسب می‌کند و حاصل توسعه و تعهد به ارزشهای فرهنگی-اجتماعی می‌باشد.

سطوح سرمایه اجتماعی

بر اساس دیدگاههای موجود، می‌توان سرمایه اجتماعی را در سه سطح تعریف کرد:

- سطح خرد (روابط بین فردی) : در این سطح،

بر روابط فردی و شبکه‌های ارتباطی بین افراد و هنجارها و ارزشهای حاکم بر آنها تاکید می‌گردد. همچنین شدت و کیفیت روابط و تعاملات و احساس تعهد و اعتماد دو جانبه به هنجارها و ارزشهای مشترک را شامل می‌شود و به عنوان یک حس تعلق و همبستگی، پایه و اساس به هم پیوستگی اجتماعی می‌شود (Loury, 1997). این سطح از سرمایه اجتماعی در آموزش عالی، تعامل بین دانشجویان و اعضای هیات علمی یک گروه آموزشی را شامل می‌شود.

- سطح میانی (ارتباطات رسمی و غیر رسمی

در سطح بالاتر از شبکه‌های خرد)؛ در این سطح، نظریه پردازانی چون (Coleman, 1999) سرمایه اجتماعی را نوعی موجودیت با دو عنصر در نظر می‌گیرند که نخست برخوردار از جنبه‌هایی از ساخت اجتماعی

- اعتماد اجتماعی: اعتماد اجتماعی یکی از مهمترین مولفه‌های سرمایه اجتماعی است که زمینه ساز مشارکت، همکاری، تعاملات و کنش‌های گروهی میان اعضاء در گروههای اجتماعی شده و منجر به گسترش و تسهیل روابط اجتماعی فرد با سایر افراد جامعه می‌شود (Krishna & Bullen & Jenny, 1998) ؛ (Elizabeth, 2000 Australian Bureau of statistics, 2003) ؛ (Grootaert et al., 2005).

- امنیت اجتماعی (امنیت شغلی- اجتماعی):

امنیت اجتماعی به گونه‌ای تنگاتنگ با احساس امنیت شغلی، گره خورده است. یعنی هرگاه شخص احساس کند از لحاظ موقعیت شغلی در امنیت است، می‌توان گفت، برای او امنیت اجتماعی وجود دارد. جذب و ورود فرد به شبکه روابط شغلی و کاری حمایت‌های اطلاعاتی، تجربی، اقتصادی، حقوقی و قانونی را از سوی نظام حقوقی شبکه و افراد شبکه، برای او به دنبال دارد. اهمیت این مساله به حدی است که در بسیاری از منابع از مولفه امنیت اجتماعی به نام مولفه امنیت شغلی- اجتماعی یاد می‌شود و در برخی دیگر از منابع از اشتغال به عنوان "مشغولیت مدنی" نام برده می‌شود (Bullen, Paul & Jenny Onyx, 1998) ؛ (Australian Bureau of statistics, 2003).

- مشارکت اجتماعی: مشارکت اجتماعی کنشی

هدفمند، ارادی و اختیاری بین کنشگر و محیط اجتماعی اوست که هم برای فرد، رضایت به بار می‌آورد و هم عامل شکل دهی به روابط و سازنده شبکه‌های حمایتی بالقوه است (Bullen & Jenny, 1998) ؛ (Australian Bureau of statistics, 2003).

- آگاهی و شناخت: آگاهی و شناخت به معنی

داشتن اطلاع از گروه، جامعه و اعضای جامعه است. این مولفه یکی از پیش شرطهای اعتماد تلقی می‌شود و یکی از شرطهای لازم جهت مشارکت می‌باشد. از این رو، (Bullen & Jenny, 1998) آگاهی را به عنوان یکی از مولفه‌های مهم سرمایه اجتماعی معرفی نمودند.

توسعه سرمایه اجتماعی این نهاد است. ایجاد زمینه های آگاهی و شناخت نسبت به مفاهیم، اصول، مبانی و اهمیت سرمایه اجتماعی در دانشجویان چه به لحاظ نظری و چه به صورت آموزش عملی از طریق توسعه زمینه هایی مانند؛ آموزش مشارکتی، یادگیری مشارکتی، ایجاد زمینه های تبادل اطلاعاتی و تعاملات بین دانشجویان در فضای دانشگاه و فراتر از آن ارتباطات و تعاملات دانشجویان این بخش از نظام آموزش عالی با گروههای هدف آینده شغلی آنها (کشاورزان، روستاییان، تولید کنندگان و فعالان بخش کشاورزی و ...) قابل دستیابی می باشد.

- کارکرد پژوهشی نظام آموزش عالی (کشاورزی) در توسعه سرمایه اجتماعی: منظور از کارکرد پژوهشی، مجموعه فراگردهایی است که به گسترش مرزهای دانش و معرفت می انجامد و به صورت افزوده علم و فن، یافته ها و شناخت دقیق پدیده های طبیعی و اجتماعی، نوآوری ها و ابداعات تکنولوژیکی و ... ظاهر می شود. مراکز آموزش عالی با کارکرد پژوهشی خود می توانند به طور همزمان عامل تغییر در جوامع نیز باشند، چرا که این کارکرد، تولید دانش و فناوری های نو را ممکن می سازد و رشد و گسترش فناوری های نوین چهره جوامع را روز به روز از نو می آید (Ejtehadi, 2007). نقش این کارکرد چه به طور اعم در آموزش عالی و چه به طور اخص در آموزش عالی کشاورزی از طریق فعالیتهایی نظیر؛ توسعه زمینه های پژوهشی مشترک بین دانشجویان، دانشجویان و اعضای هیات علمی، دانشجویان و مراکز علمی- پژوهشی مرتبط با رشته های تحصیلی آنها و حتی دانشجویان و گروه های هدف آینده شغلی آنها (بسته به نوع رشته تحصیلی) امکانپذیر می باشد.

- کارکرد خدماتی- مدیریتی آموزش عالی (کشاورزی) در توسعه سرمایه اجتماعی: یکی از کارکردهای مهم هر بخش از نظام آموزش عالی (کشاورزی و غیر کشاورزی) که می تواند نقش مهم و حساسی در توسعه سرمایه اجتماعی داشته باشد، کارکرد خدماتی- مدیریتی آموزش عالی در دو بعد (خدمات درون رسانی و خدمات برون رسانی) می باشد. بعد خدمات درون رسانی نظام آموزش عالی (نظام آموزش

است، دوم کنشهای خاص کنشگران را در درون ساختار اجتماعی تسهیل می کند. وی اعتماد، اختیار و تعهد را لازمه سرمایه اجتماعی در این سطح می داند. در فضای تعاملی و ارتباطی دانشگاه این سطح از ارتباط شامل تعامل دانشجویان و اعضای هیات علمی در فضای آکادمیک گروههای مختلف آموزشی یا شبکه روابط دانشجویان و اعضای هیات علمی در سطح دانشکده ها می باشد.

- سطح کلان (نهادها، سازمانها و اجتماعات): در این سطح، سرمایه اجتماعی شامل روابط (حقیقی یا حقوقی) فرد یا شبکه های خرد با ساختارهای نهادی کلان و برقراری ارتباطات بین شبکه ای بین آنهاست (Coleman, 1999). در خصوص فضای ساختاری آموزش عالی، این سطح از ارتباطات، شامل ایجاد زمینه هایی برای برقراری روابط بین دانشجویان و اعضای هیات علمی در سطح دانشگاهها، سازمانها، نهادها، جوامع گروههای هدف، مراکز علمی- پژوهشی در سطح ملی و بین المللی می باشد. کارکردهای آموزش عالی (کشاورزی) در توسعه سرمایه اجتماعی

آموزش عالی به طور اعم و آموزش عالی کشاورزی به طور اخص دارای سه کارکرد آموزشی، پژوهشی و خدماتی- مدیریتی می باشد که در این بخش به تشریح مختصر نقشی هر یک از این کارکردها می توانند در توسعه سرمایه اجتماعی دانشجویان داشته باشند، می پردازیم:

- کارکرد آموزشی نظام آموزش عالی (کشاورزی) در توسعه سرمایه اجتماعی: منظور از کارکرد آموزشی، مجموعه فراگردهایی است که به یادگیری و شناخت منتهی می شود و معلومات، دانش، تبحر علمی، توسعه فکری و ذهنی، بلوغ عاطفی و بینش اجتماعی را در وجود فراگیران متجلی ساخته، در خلقیات، قابلیت ها و توانایی های آنها اثر می گذارد و به صورت تغییراتی در رفتار آنها اعم از رفتار اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ظاهر می شود (Comportes & 2006, et al). کارکرد آموزشی چه به طور عام در نظام آموزش عالی و چه به طور خاص در نظام آموزش عالی کشاورزی، یکی از ابعاد و زمینه های مورد استفاده در

نظام آموزش عالی کشاورزی، این کارکرد با ایجاد زمینه‌های ارتباط بین دانشگاه و گروه‌های هدف (کشاورزان، روستاییان، تولیدکنندگان و فعالان بخش کشاورزی) می‌تواند زمینه‌ساز توسعه بسیاری از مهارت‌ها و شاخص‌های سرمایه اجتماعی از قبیل؛ توسعه زمینه‌های ارتباطی و تماس با گروه‌های هدف برنامه‌های توسعه کشاورزی و روستایی، ارتباط نزدیک و ملموس با محیط کشاورزی روستایی و در واقع زمینه‌های شغلی آینده این دانشجویان، ایجاد تعامل بین دانشجویان شاغل به تحصیل در رشته‌های کشاورزی با جامعه روستاییان، از طریق ایجاد شبکه‌ها و پیوندهای ارتباطی، تبادل و انتقال دوجانبه اطلاعات و تجربیات، کسب اعتماد و پذیرش دانشجویان از سوی جامعه هدف، تشریح مساعی و مشارکت دو جانبه در اجرای موفقیت‌آمیز طرح‌های توسعه کشاورزی و روستایی شود.

تأثیر توسعه سرمایه اجتماعی بر سایر ابعاد توسعه اثرات و نتایج توسعه سرمایه اجتماعی در نظام آموزش عالی از ابعاد زیر قابل ملاحظه می‌باشد.

الف) تأثیر بر توسعه انسانی: سال‌های طولانی تصور نظریه پردازان توسعه بر این بود که توسعه انسانی با تحصیل، کسب مهارت‌های حرفه‌ای و تربیت انسان ماهر از طریق نظام آموزشی امکانپذیر بوده و دستیابی به "استانداردهای زندگی و زندگی بهتر" را تضمین خواهد کرد (Grootaert, 2003). مطالعات رابینز نشان داد؛ پرورش استعدادهای ذهنی و توسعه ظرفیت‌های انسانی مستلزم توسعه توانمندی‌های او در کسب احترام و منزلت اجتماعی، مشارکت اجتماعی و منزلت اجتماعی است. در واقع این اثر شبکه‌های ارتباطی است که منجر به پرورش، شکل دهی و هدایت ظرفیت‌های انسانی در دستیابی به "زندگی بهتر" می‌شود و نفوذ به شبکه‌های اجتماعی نیازمند کسب مهارت‌های اجتماعی است (Robeyns, 2005). این امر التزام نظام‌های آموزشی به خصوص نظام آموزش عالی را در توجه به پرورش مهارت‌های اجتماعی با توسعه مولفه‌های سرمایه اجتماعی در نیروی انسانی تربیت شده آن آشکار می‌سازد.

عالی به طور عام و نظام آموزش عالی کشاورزی به طور خاص (شامل مدیریت و ایجاد زمینه‌هایی برای ارائه خدماتی مانند: حمایت فضای ساختاری دانشگاه در ایجاد و توسعه تشکلهای دانشجویی، تعاونی‌های دانشجویی، انجمن‌های دانشجویی، اتحادیه‌های صنفی دانشجویی، ایجاد زمینه‌های مشارکت دانشجویان در امور فوق برنامه، خدمات مشاوره‌ای از قبیل مشاوره‌های شغلی، حمایت از سازمانهای غیر دولتی دانشجویی^۱، ارائه خدمات مالی - اقتصادی از قبیل اجاره زمین، تخصیص وام‌های کارآفرینی و تولیدی، مشاوره‌های علمی اساتید به دانشجویان در انجام پروژه‌های تولیدی، ایجاد و گسترش شبکه‌های ارتباطی دانشگاه با مراکز پژوهشی، هدایت پروژه‌ها و دوره‌های کارآموزی دانشجویان به سمت این مراکز و ... می‌باشد. اینگونه فعالیت‌های خدماتی می‌توانند ضمن توسعه روحیه مشارکت و کار گروهی، مسئولیت‌پذیری، ریسک‌پذیری (به دلیل تسهیم اثرات و نتایج ریسک بین افراد گروه)، روحیه همکاری و همیاری، روحیه رفتار اطلاع‌یابی و اطلاع‌رسانی که همگی از نمودهای توسعه سرمایه اجتماعی دانشجویان شاغل به تحصیل در مراکز آموزش عالی است، شود. این امر خود، منجر به ایجاد زمینه‌ها و کسب فرصت‌های کارآفرینی شغلی، نفوذ در شبکه‌های شغلی و پذیرش فرد از سوی نهادها و سازمان‌های اجتماعی می‌شود. چرا که زمینه‌سازی در توسعه شبکه‌های ارتباطی از دیرباز یکی از شناخته شده ترین روش‌های یافتن فرصت‌های شغلی بوده است. تحقیقات علمی مطالعات مارک‌گروانووتر نشان می‌دهد که اغلب مردم، مشاغل رضایت‌بخش، دستمزدهای بهتر و شرایط کاری مطلوب خود را به جای کانال‌های رسمی از طریق تماس‌ها و شبکه‌های ارتباطی پیدا می‌کنند و با اتکاء به همین روابط، مدت طولانی‌تری در این مشاغل دوام می‌یابند (Grootaert, 2005). بعد خدمات برون رسانی نظام آموزش عالی شامل؛ طراحی، مدیریت، اجرای برنامه‌ها و نیز انجام پژوهشهایی مبتنی بر نیازهای بهره برداران، مصرف کنندگان و گروه‌های هدف خارج از محیط دانشگاه می‌باشند (Adelman & et al, 2004). در

با وجود شهروندانی "آگاه به حقوق مدنی، مسئولیت پذیری اجتماعی و ارتباط و انسجام بین مردم و حکمرانان سیاسی. اهمیت این مساله به حدی است که نظریه پردازان بزرگی چون فوکویاما اهمیت سرمایه اجتماعی را در توسعه سیاسی جوامع چنین بیان می کنند: " سرمایه اجتماعی عامل بنیاد جامعه مدنی است و جامعه مدنی خود کانون تولید، انباشت، توزیع و مصرف سرمایه اجتماعی است" (Fukuyama, 2001). در بیان اهمیت توسعه سرمایه اجتماعی در آموزش عالی و انعکاس نقش و اثر آن بر توسعه سیاسی جامعه همین بس که دانشگاه و دانشگاهیان در هر پدیده و تحول سیاسی جزء نهادهای پیشرو جامعه بوده و هستند.

ج) توسعه ملی: گذار از دهه‌های توسعه از سال ۱۹۷۰ تا کنون، به خصوص تجربه شکست برنامه‌های توسعه در کشورهای جهان سوم، بی اثر بودن نظریات توسعه بدون توجه به ملاحظات و درک پیچیدگیهای نهفته در ارزشها، شبکه روابط و تعاملات اجتماعی و بی حضور و مشارکت مردم جامعه را ثابت کرد. از این روست که نظریه پردازان توسعه امروزه بر این باورند که دستیابی به اهداف توسعه متوازن و همه جانبه یعنی توسعه انسانی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و در یک کلام "توسعه ملی" بدون حضور ثروت نامرئی جوامع یعنی "سرمایه اجتماعی" جامعه، توسعه‌ای نامتوازن، بی ثبات و ناپایدار است. از این جهت است که آنتونی گیدنز از سرمایه اجتماعی به عنوان "روغن روان گردیدن چرخ دنده‌های توسعه" نام می‌برد (Gibbs, 1994).

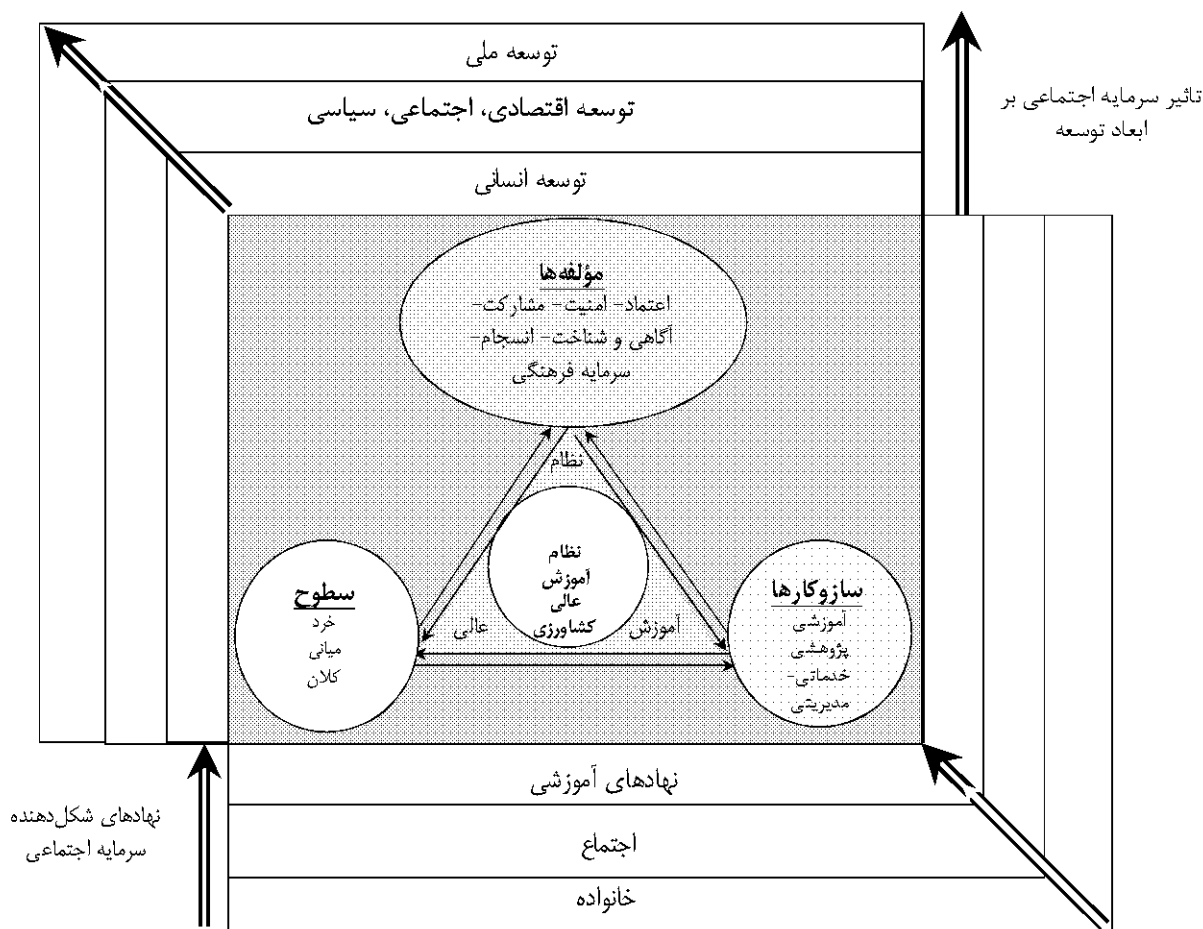
جمع بندی و ارایه مدل چارچوب نظری

گذشت چندین دهه از ظهور نظریه سرمایه انسانی نتوانست تفاوت ۴۰ درصدی بازده اقتصادی نیروی انسانی ماهر را در جوامع مختلف توجیه کند. این مساله که "معمای رشد" نامیده شد، توجه نظریه پردازان را به ضعف یا فقدان دسته‌ای از مهارت‌های ضروری در نیروی انسانی ماهر (علاوه بر مهارت‌های دانشی و حرفه‌ای) آنان جلب کرد. این مهارت‌ها که در جوامع مختلف به نامهای مختلف شناخته شده اند، مهارت‌های اجتماعی هستند که در ادبیات توسعه از آن به نام "ثروت نامرئی یا سرمایه اجتماعی" جوامع یاد می‌شود. این شکل از سرمایه در نهاد خانواده و اجتماع شکل

(ب) توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی: امروزه تحولات سریع و شتابان در محیط‌های اقتصادی و تجاری، سازمانها و نهادها را بر آن داشته است که به منظور حفظ بقا و موقعیت خود با اشاعه فرهنگ صحیح رفتاری و اجتماعی به جذب اعتماد بیشتر ارباب رجوع خود اقدام کنند. گذشت بیش از چهار دهه از ارایه نظریات توسعه اقتصادی نشان داد؛ دستیابی به اهداف آرمانی توسعه اقتصادی نیازمند بسترهای کلیدی نظیر ساختارهای اجتماعی مناسب، توجه به ارزشها و هنجارهای اجتماعی است. هانت ساختارهای اجتماعی مورد نیاز توسعه اقتصادی را با مفهوم سرمایه اجتماعی معرفی می کند (Hant, 1998). بی شک نقش نهادهای اجتماعی به خصوص آموزش عالی به طور اعم و آموزش عالی کشاورزی به طور اخص به عنوان نهادی که مسئولیت تربیت نیروی انسانی فعال در بخشهای مختلف اقتصادی را بر عهده دارند، در توسعه سرمایه اجتماعی غیر قابل انکار است. توسعه سرمایه اجتماعی سرمایه اجتماعی به ویژه مولفه اعتماد اجتماعی، منجر به افزایش سطح سرمایه گذاری ها و تسهیل تامین مالی پروژه ها و در نتیجه حمایت از خلاقیتها و توانمندیهای نیروی انسانی مشغول به تحصیل در دانشگاهها و مراکز آموزش عالی شود. و در نتیجه احتمال پیشرفتهای شغلی و اقتصادی آنها در قالب شبکه های تولیدی و کارآفرینی سازمانی فراهم می شود. از بعد اجتماعی می توان گفت؛ سرمایه اجتماعی، منبع ایجاد تعاملات اجتماعی و نظام هدفمند همکاری و همیاری میان افراد جامعه است که آنها را در در دسترسی به اهداف مشترک و حفظ همبستگی اجتماعی کمک می کند. شبکه روابط جمعی، انسجام بخش رابطه میان افراد، ساختارها، سازمانها و نهادهای اجتماعی است که همگی از شاخصهای توسعه اجتماعی می باشند. نهاد آموزش عالی نیز به عنوان بخشی از نهادهای اجتماعی، با پرورش نیروی انسانی آگاه به مسئولیتهای اجتماعی در کنار مسئولیتهای حرفه‌ای تاثیر غیر قابل انکاری در توسعه اجتماعی جوامع خواهد داشت. پیامد توجه به توسعه سرمایه اجتماعی حتی در بعد توسعه سیاسی جامعه، قابل انعکاس است، چرا که دستیابی به جامعه مدنی و دموکراسی اجتماعی امکان پذیر نخواهد بود مگر

علمی در گروه‌های آموزشی)، سطح میانی (ارتباط دانشجویان با یکدیگر و با اعضای هیات علمی در دانشکده‌ها) و سطح کلان (ارتباط دانشجویان با اعضای هیات علمی دانشگاه‌ها، مراکز علمی- پژوهشی، گروه‌های جامعه هدف و ... در سطح ملی و بین المللی) به دانشجویان باشد. توسعه سرمایه اجتماعی در آموزش عالی نیز از طریق کارکردهای هر بخش از نظام آموزش عالی با توجه به ماهیت آن بخش (کشاورزی یا سایر بخش‌های نظام آموزش عالی) مشخص می‌شود. اثرات توجه به توسعه سرمایه اجتماعی در هر بخش از نظام آموزش عالی نیز در ابعاد مختلف توسعه (انسانی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی) و در سطح بالاتر در توسعه ملی کشور انعکاس می یابد (شکل ۱).

می‌گیرد و در نهادهای آموزشی با توجه قابلیت‌های آن توسعه می‌یابد. نظام آموزش عالی به طور اعم و نظام آموزش عالی کشاورزی به طور اخص (به عنوان بخشی از نهاد نظام آموزش عالی) در راس نظام‌های آموزشی توسعه دهنده سرمایه اجتماعی قرار دارند، چرا که نظام آموزش عالی مسئولیت تربیت نیروی انسانی مورد نیاز و فعال بخش‌های مختلف اقتصادی جامعه را بر عهده دارد و دوره بازدهی سرمایه گذارهای مالی و آموزشی - تربیتی نیروی انسانی به جامعه، پس از اتمام دوران تحصیلات عالی فرا می رسد. از طرفی فضای ساختاری دانشگاه و آموزش عالی می‌تواند انتقال دهنده ایده ها، ارزش‌ها، هنجارها، اعتماد، مشارکت، مسئولیت پذیری و توانمندی برقراری ارتباط با دیگران در سطح خرد (ارتباط دانشجویان با یکدیگر و با اعضای هیات



شکل ۱- چارچوب نظری تحقیق

مواد و روش‌ها

داده‌های این تحقیق از طریق مطالعه پیمایشی جمع‌آوری شده است. داده‌های مورد نیاز پس از مرور ادبیات نظری و مطالعات انجام شده در زمینه سرمایه اجتماعی، از طریق پرسشنامه جمع‌آوری شده است.

اهداف تحقیق بررسی ویژگیهای فردی پاسخگویان با استفاده از آماره‌های توصیفی، بررسی میزان مناسب بودن سازوکارهای طراحی شده در توسعه سرمایه اجتماعی با استفاده از نظرات پاسخگویان، اولویت بندی سازوکارهای مذکور بر اساس میزان مناسب بودن، تحلیل عاملی سازوکارهای توسعه سرمایه اجتماعی، تبیین مولفه‌های سرمایه اجتماعی و تعیین میزان اهمیت هر یک از این مولفه‌ها در توسعه سرمایه اجتماعی در نظام آموزش عالی بوده است.

جامعه آماری این تحقیق دانشجویان مقطع کارشناسی رشته‌های کشاورزی، در پنج دانشگاه تهران، رازی کرمانشاه، لرستان، شیراز و کرمان می‌باشند که در سال تحصیلی ۱۳۸۷-۱۳۸۸ مشغول به تحصیل هستند. تست اولیه این تحقیق به منظور تعیین روایی و پایایی ابزار تحقیق در دانشگاه تهران انجام گرفته است. روایی محتوایی ابزار تحقیق با استفاده از پانل تخصصی اعضای هیات علمی و پژوهشگرانی که در

ارتباط با موضوع سرمایه اجتماعی دارای سوابق تحقیقاتی بودند، تایید گردید. به منظور سنجش پایایی ابزار تحقیق از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد و میانگین ضرایب آلفای کرونباخ برای مقیاس‌های پرسشنامه ۰/۷۶ به دست آمد که حاکی از قابلیت اعتماد مورد قبول ابزار تحقیق می‌باشد. به منظور برآورد حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شد (Mansoorfar, 1997). با استفاده از این فرمول، حجم نمونه ۱۷۷ نفر به دست آمد. به منظور انتخاب نمونه‌ها ابتدا بر اساس طبقه بندی سازمان سنجش و آموزش کشور که کلیه دانشگاه‌های ایران به پنج قطب تقسیم‌بندی می‌شوند، از هر قطب یک دانشگاه به طور تصادفی انتخاب شد، سپس با توجه به حجم نمونه برآوردی (n = 177) و نیز تعداد دانشجویان کارشناسی رشته‌های کشاورزی شاغل به تحصیل در دانشگاه‌های مورد مطالعه بر اساس آمار (Institute of Research & Planning in higher Education, 2008)، با استفاده از روش نمونه‌گیری انتساب متناسب سهم هر دانشگاه از تعداد و درصد نمونه آماری مورد مطالعه مشخص شد. و در نهایت نمونه‌های مورد مطالعه در هر دانشگاه به طور کاملاً تصادفی انتخاب و مورد بررسی قرار گرفتند (جدول ۱).

جدول ۱- جدول جمعیت کل و جمعیت نمونه آماری مورد مطالعه

نام دانشگاه	جمعیت کل جامعه آماری (N)		جمعیت نمونه آماری (n)		سهم هر دانشگاه از نمونه آماری
	دانشجویان دختر	دانشجویان پسر	دانشجویان دختر	دانشجویان پسر	
تهران	۱۶۵۳	۵۴/۳۹	۲۷	۴۵	۲۷
کرمانشاه	۱۰۵۳	۴۰/۳۱	۱۴	۵۷	۱۸
لرستان	۱۷۵۳	۳۰/۴۷	۸	۶۶	۱۴
شیراز	۱۴۳۳	۴۰/۰۲	۱۴	۵۸	۱۹
کرمان	۱۵۷۱	۴۱/۸۲	۱۶	۵۶	۲۲
کل	۵۸/۱۸	۱۱۲۹	۱۷۷	۱۰۰	

نتایج و بحث

نتایج به دست آمده از جدول توصیفی سیمای نمونه آماری حاکی از آن است که از میان کل پاسخگویان، ۵۳/۱ درصد را مردان تشکیل می‌دهند و بقیه یعنی ۴۶/۹ درصد زن هستند. از نظر سنی بیشترین

پاسخگویان (۵۷/۱ درصد) به گروه سنی ۲۱-۲۵ سال تعلق دارند. یافته‌های تحقیق بیانگر آن است که از لحاظ شغلی ۹۳/۲ درصد از پاسخگویان بیکار و تنها مشغول به تحصیل می‌باشند. از لحاظ دانشگاه محل تحصیل ۲۱ درصد از پاسخگویان با بیشترین فراوانی در دانشگاه

تهران مشغول به تحصیل می باشند. از نظر نوع رشته تحصیلی نیز دانشجویان رشته ترویج و آموزش کشاورزی با بیشترین فراوانی یعنی ۲۵/۴۲ درصد بیشترین تعداد

جامعه آماری مورد مطالعه را به خود تخصیص می دادند. همچنین از نظر منشا قومی بیشترین فراوانی (۴۶/۳ درصد) متعلق به قومیت فارس می باشد (جدول ۲).

جدول ۲- توزیع فراوانی نمونه آماری بر اساس ویژگی‌های فردی و تحصیلی

متغیر	وضعیت	فراوانی	درصد	نما
جنس	مرد	۹۴	۵۳/۱	مرد
	زن	۸۳	۴۶/۹	
سن	کمتر از ۲۱ سال	۶۸	۳۸/۴	۲۱-۲۵ سال
	۲۱-۲۵ سال	۱۰۱	۵۷/۱	
	بیشتر از ۲۵ سال	۸	۴/۵	
وضعیت شغلی	شاغل در رشته مرتبط با رشته تحصیلی	۶	۳/۴	بیکار و تنها مشغول به تحصیل
	شاغل در رشته غیر مرتبط با رشته تحصیلی	۱۶۵	۹۳/۲	
دانشگاه محل تحصیل	تهران	۳۷	۲۱	تهران
	کرمانشاه	۳۵	۱۹/۸	
	شیراز	۳۶	۲۰/۱	
	لرستان	۳۴	۱۹/۳	
	کرمان	۳۵	۱۹/۸	
رشته تحصیلی	ترویج و آموزش کشاورزی	۴۵	۲۵/۴۲	ترویج و آموزش کشاورزی
	زراعت و اصلاح نباتات	۳۷	۲۰/۹	
	علوم دامی	۳۲	۱۸/۱۰	
	باغبانی	۴۳	۲۴/۲۹	
	ماشین آلات	۲۰	۱۱/۲۹	
منشا قومی	فارس	۸۲	۴۶/۳	فارس
	کرد	۵۳	۲۹/۹	
	لر	۱۸	۱۰/۲	
	ترک	۱۲	۶/۸	
	سایر قومیتها	۱۲	۶/۸	

منبع: یافته‌های پژوهش

مطالعه و بررسی ادراک از سازوکارهای موثر در توسعه سرمایه اجتماعی در آموزش عالی کشاورزی با استفاده از طیف لیکرت انجام گرفته است. در این طیف پاسخگویان نظر خود را در مورد هر یک از گویه‌ها با انتخاب بخشی از طیف از کاملاً نامناسب تا بسیار مناسب مشخص کرده‌اند. همچنین به منظور اولویت بندی (رتبه بندی) سازوکارها، جهت توسعه مولفه‌های سرمایه اجتماعی در آموزش عالی کشاورزی از ضریب تغییرات استفاده شده است. نتایج رتبه بندی سازوکارها با توجه به نظرات پاسخگویان به ترتیب از الویت اول تا آخر در جدول (۳) به تفکیک آرایه شده است.

جدول ۳- دیدگاه پاسخگویان در زمینه ادراک از سازوکارهای توسعه سرمایه اجتماعی در آموزش عالی کشاورزی

رتبه	ضریب تغییرات	میانگین	انحراف معیار	درصد			سازوکارها
				کاملاً مناسب	مناسب	متوسط	
۱	۰/۱۵۱	۴/۴۵	۰/۶۷	۵۵/۶	۳۴/۴	۱۰	گسترش زمینه‌های مشارکت اجتماعی دانشجویان با شرکت در فعالیتهای پژوهشی (استفاده اساتید از مشارکت دانشجویان در انجام طرحهای پژوهشی دانشگاه در ارتباط با موضوعات کشاورزی)
۲	۰/۱۶۰	۴/۲۰	۰/۶۷	۳۵	۵۰/۶	۱۴/۴	آموزش اصول مشارکت اجتماعی به دانشجویان (حمایت مالی- مدیریتی دانشگاه از تشکیل و توسعه تعاونیهای تولیدی- کشاورزی دانشجویی)

ادامه جدول (۳)

رتبه	ضریب تغییرات	میانگین رتبه‌ای از ۵	انحراف معیار	درصد			کاملاً نامناسب	نامناسب	متوسط	مناسب	کاملاً مناسب	سازو کارها
				کاملاً نامناسب	نامناسب	متوسط						
۳	۰/۱۷۰	۴/۳۴	۰/۷۴	۵۰	۳۳/۹	۱۶/۱	گسترش زمینه های مشارکت اجتماعی دانشجویان با شرکت در فعالیتهای آموزشی و تدریس (مشارکت دادن دانشجویان در بحثهای کلاسی، ارائه سمینار و ارائه های درسی)
۴	۰/۱۷۳	۴/۲۶	۰/۷۴	۴۳/۹	۳۸/۹	۱۷/۲	گسترش زمینه های مشارکت اجتماعی دانشجویان با شرکت در فعالیتهای پژوهشی خارج از دانشگاه (مشارکت دادن دانشجویان در طرحها و پروژه های تحقیقاتی مشترک بین دانشگاه و مراکز تحقیقاتی)
۵	۰/۱۷۵	۴/۲۶	۰/۷۴	۵۰/۶	۳۳/۳	۱۶/۱	ایجاد تسهیلات لازم در تشکیل انجمنهای دانشجویی کمک رسانی به کشاورزان (آموزش، مشاوره و امداد رسانی به کشاورزان در مواقع خاص مانند آفت زدگی محصول ...، با مشارکت داوطلبانه دانشجویان)
۶	۰/۱۷۹	۴/۱۸	۰/۷۵	۳۸/۸	۴۰/۶	۲۰/۶	ارتقاء مهارتهای ارتباطی و کسب اعتماد اجتماعی در دانشجویان از طریق التزام آنها در مراجعه به ادارات، سازمانها و مراکز تحقیقاتی مرتبط با حیطه های کشاورزی به منظور انجام تحقیقات درسی
۷	۰/۱۸	۴/۱۶	۰/۷۰	۳۷/۲	۴۱/۷	۲۱/۱	تعیین عناوین تحقیقاتی در بخش عملی دروس که مستلزم مراجعه دانشجویان به مزارع کشاورزی و برقراری ارتباط با کشاورزان باشد
۸	۰/۱۹۹	۴/۲۶	۰/۸۵	۴۷/۲	۳۶/۷	۱۱/۱	۵	آموزش به دانشجویان در چگونگی ارائه خدمات مشاوره ای به کشاورزان به منظور ایجاد پلهای ارتباطی با کشاورزان و کسب اعتماد از آنان
۹	۰/۱۸۲	۴/۳۲	۰/۷۹	۵۲/۲	۲۷/۸	۲۰	تعیین تکالیف و تحقیقات گروهی برای دانشجویان به منظور ایجاد زمینه های ارتباطی بین آنان
۱۰	۰/۲۱۶	۴/۰۷	۰/۸۸	۳۵/۵	۴۲/۸	۱۵	۶/۷	هدایت و مدیریت دوره های کارآموزی دانشجویان به روستاها و مزارع کشاورزان (ایجاد زمینه های ارتباط، تعامل و کسب اعتماد بین آنها)
۱۱	۰/۲۲۷	۴/۱۴	۰/۹۴	۴۳/۹	۳۳/۹	۱۴/۴	۷/۸	به چالش کشاندن مسایل و مشکلات بخش کشاورزی در مباحث درسی به منظور افزایش آگاهی و تقویت بینش تحلیلی دانشجویان در حیطه های مختلف کشاورزی
۱۲	۰/۲۳۰	۴	۰/۹۲	۳۳/۳	۴۲/۸	۱۵	۸/۹	افزایش آگاهی و شناخت دانشجویان از رویدادها، نوآوریها و دستاوردهای علمی- پژوهشی بخش کشاورزی (چاپ و نشر خبرنامه ها، نشریات و مجلات کشاورزی)

ادامه جدول (۳)

رتبه	ضریب تغییرات	میانگین رتبه‌ای از ۵	انحراف معیار	درصد			سازو کارها		
				کاملاً مناسب	مناسب	متوسط	نامناسب	کاملاً نامناسب	
۱۳	۰/۲۳۴	۴/۰۱	۰/۹۴	۳۶/۷	۳۶/۱	۱۸/۹	۸/۳	۰	ارایه بخش عملی دروس تخصصی کشاورزی در مزارع و واحدهای تولیدی- کشاورزی (افزایش آگاهی و شناخت دانشجویان از شرایط واقعی انجام فعالیتهای کشاورزی)
۱۴	۰/۲۳۹	۳/۹۶	۰/۹۵	۳۴/۴	۳۶/۱	۲۰/۶	۸/۹	۰	ایجاد زمینه ها و امکان حضور دانشجویان در سمینارها و کنگره های علمی- تخصصی کشاورزی
۱۵	۰/۲۴۴	۳/۹۷	۰/۹۷	۳۷/۲	۳۱/۷	۲۲/۸	۸/۳	۰	ارایه آموزشهای کاربردی و عملی، به منظور توسعه مهارتها و توانمندیهای شغلی و در نتیجه امکان جذب در بازار کار و ارتقاء شغلی
۱۶	۰/۲۴۵	۳/۸۶	۰/۹۴	۲۷/۷	۴۱/۷	۲۰	۱۰/۶	۰	ایجاد زمینه های لازم برای ارایه برنامه های آموزشی- عملی توسط کارآفرینان و تولید کنندگان موفق کشاورزی به منظور تقویت روحیه کار آفرینی دانشجویان و تامین امنیت شغلی آنان
۱۷	۰/۲۵۲	۳/۹۲	۰/۹۹	۳۴/۴	۳۳/۹	۲۱/۱	۱۰/۶	۰	تعیین موضوعات کاربردی مرتبط با زمینه های شغلی آینده دانشجویان در پروژه ها و تکالیف پژوهشی، به منظور رویا رو کردن آنها با شرایط و مهارتهای مورد نیاز که دانشجویان برای کسب امنیت شغلی آینده باید به دنبال کسب و یادگیری آنها باشند
۱۸	۰/۳۱۲	۳/۶۷	۱/۱۵	۲۹/۹	۳۱/۱	۱۵/۶	۲۲/۸	۰/۶	حمایت مالی از طرحهای دانشجویان نوآور و کارآفرین به منظور کمک به تامین امنیت شغلی آنان
۱۹	۰/۳۱۵	۳/۵۸	۱/۲۸	۲۵	۴۲/۲	۱۰/۶	۱۱/۱	۱۱/۱	ارایه خدمات مشاوره ای- شغلی از سوی اساتید به دانشجویان
۲۰	۰/۳۳۹	۳/۵۹	۱/۱۸	۲۱/۷	۴۳/۳	۱۶/۱	۱۰/۶	۸/۳	طراحی و تدوین حداقل یک ماده درسی در ارتباط با فرهنگ شناسی جامعه روستایی و کشاورزان به منظور معرفی ارزشها و خرده فرهنگهای کشاورزان و جامعه روستایی به دانشجویان رشته های کشاورزی
۲۱	۰/۳۳۲	۳/۵۵	۱/۱۸	۲۲/۷	۳۶/۷	۲۰/۶	۱۲/۸	۷/۲	افزایش سطح آگاهی دانشجویان از آداب و رسوم، فرهنگ و ارزشهای فرهنگی- اجتماعی کشاورزان (مباحث کلاسی)، تعیین موضوعات مرتبط با این زمینه ها به عنوان تحقیقات کلاسی)
۲۲	۰/۳۳۳	۳/۷۱	۱/۲۳	۳۷/۸	۲۰	۲۱/۱	۱۷/۸	۳/۳	فرهنگ سازی در حمایت از ارزشها و سرمایه های فرهنگی- اجتماعی (ایجاد تشکلهای دانشجویی در حمایت از محیط زیست)
۲۳	۰/۳۳۸	۳/۵۵	۱/۲۰	۲۳/۳	۳۶/۷	۲۰/۶	۱۱/۱	۸/۳	توسعه زمینه های تعاملات و تبادلات فرهنگی- اجتماعی دانشجویان به منظور شناخت ارزشهای فرهنگی- اجتماعی (ایجاد و گسترش وب لاگهای تخصصی در ارتباط با موضوعات فرهنگی در سطح ملی و فراملی
۲۴	۰/۳۵۸	۳/۵۵	۱/۲۷	۲۷/۸	۳۱/۱	۱۸/۳	۱۳/۹	۸/۹	برگزاری جلسات مباحثه و پرسش و پاسخ در ارتباط با گفتمانهای فرهنگی، با حضور دانشجویانی از قومتهای مختلف
۲۵	۰/۳۶۷	۳/۳۰	۱/۲۱	۱۸/۸	۳۰/۶	۱۸/۹	۲۵/۶	۶/۱	برگزاری سمینارها و کنگره های کشاورزی چند رشته ای (بین رشته ای)

ادامه جدول (۳)

رتبه	ضریب تغییرات	میانگین رتبه‌ای از ۵	انحراف معیار	درصد			سازو کارها		
				کاملاً مناسب	مناسب	متوسط	نامناسب	کاملاً نامناسب	
۲۶	۰/۳۷۳	۳/۳۱	۱/۲۳	۱۴/۱	۴۱/۴	۱۷/۲	۱۵/۶	۱۱/۷	برگزاری دوره های آموزشی در ارتباط با آموزش مهارت‌های اجتماعی از قبیل همکاری، همیاری و مسئولیت پذیری به منظور انسجام بخشی به شبکه ارتباطات و تعاملات دانشجویان
۲۷	۰/۳۸۱	۳/۳۳	۱/۲۷	۱۶/۳	۳۰	۲۶	۱۵/۸	۱۱/۹	گسترش زمینه های ارتباط، تعامل و همکاری و انسجام بین دانشجویان و کشاورزان (انتقال فن‌آوریها و تازه های کشاورزی به کشاورزان و تولیدکنندگان بخش کشاورزی توسط دانشجویان)
۲۸	۰/۳۸۸	۳/۰۴	۱/۱۸	۱۱/۹	۴۲	۱۸	۱۷/۷	۱۰/۴	منسجم کردن زمینه های تعامل علمی و تجربی دانشکده‌های کشاورزی، کشاورزان و تولیدکنندگان بخش کشاورزی (ایجاد دفاتر همکاری و مشاوره دانشگاه و تولیدکنندگان بخش کشاورزی)
۲۹	۰/۳۹۱	۳/۰۹	۱/۲۱	۱۱/۶	۳۶	۲۴	۱۷/۲	۱۱/۲	منسجم کردن زمینه های ارتباط و تعامل دانشجویان با یکدیگر و با اعضای هیات علمی از طریق مبادله دانشجو در سطح ملی و فرا ملی
۳۰	۰/۳۹۶	۳/۰۵	۱/۲۱	۱۴/۴۷	۳۳	۲۴	۱۶/۲۳	۱۲/۳	فراهم کردن زیر ساختهای لازم برای تشکیل تعاونیهای دانشجویی
۳۱	۰/۳۹۹	۲/۸۸	۱/۱۵	۱۳/۷۶	۲۵	۳۱	۱۸/۲۴	۱۲	ایجاد طرح شبکه ملی تحقیقات کشاورزی (متشکل از دانشجویان کشاورزی کل کشور)
۳۲	۰/۴۰۱	۳/۲۹	۱/۳۲	۱۴/۶	۳۹	۱۴/۴	۱۴	۱۸	مشارکت دانشجویان در حل مشکلات درسی سایر دانشجویان
۳۳	۰/۴۴	۲/۷۲	۱/۲۰	۲۵/۴	۲۸	۱۸/۲	۱۴	۱۴/۴	مشارکت دانشجویان در طرحهای پژوهشی اساتید
۳۴	۰/۴۵۱	۲/۷۴	۱/۲۴	۲۱/۴	۲۷	۲۳	۱۵/۶	۱۳	ایجاد زمینه های تعامل و ارتباط دانشجویان با سیاست‌گذاران بخش کشاورزی به منظور تبادلات فکری در تصمیم گیری و برنامه ریزی طرحها و پروژه های کشاورزی (جلسات پرسش و پاسخ، تشکیل اتاق فکر)

مورد نظر برای تحلیل عاملی دارد (جدول ۴).

جدول ۴- مقدار KMO، آزمون بارتلت و سطح معنی داری مجموعه گویه های مورد تحلیل

سطح معنی داری آزمون بارتلت	آزمون بارتلت	KMO	مجموعه گویه های مورد تحلیل
۰/۰۰۰	۱۸۷۰ ۱۲۶۸	۰/۷۰۵	سازوکارهای توسعه سرمایه اجتماعی در آموزش عالی کشاورزی

تحلیل عاملی سازوکارهای توسعه سرمایه

اجتماعی در آموزش عالی کشاورزی

به منظور ارزیابی مولفه های سرمایه اجتماعی و گویه های آن از تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شده است. همچنین برای تشخیص مناسب بودن مجموعه گویه های مقیاسهای مورد تحلیل از آزمون بارتلت و شاخص KMO بهره گرفته شده است. معنی داری آزمون بارتلت در سطح ۰/۹۹ و مقدار مناسب شاخص KMO، نشان از همبستگی مجموعه ای و مناسبیت متغیرهای

کرونباخ که یکی از متداولترین روشهای اندازه‌گیری سنجش روایی مقیاس‌ها می‌باشد ضریب روایی مقیاس اول ۰/۸۲، عامل دوم ۰/۷۴، عامل سوم ۰/۷۳، عامل چهارم ۰/۷۲، عامل پنجم ۰/۷۲ و نهایتاً عامل ششم ۰/۷۱ برآورد گردید، این میزان از آلفای کرونباخ نشان دهنده روایی مناسب گویه‌ها در طراحی مقیاس‌های مذکور می‌باشد. یاد آوری این نکته ضروری به نظر می‌رسد، گویه‌هایی که مقدار آلفای کرونباخ آنها کمتر از ۰/۷۰ (Mansoorfar, 1997) برآورد شد از تحلیل خارج شدند (جدول ۵).

نتایج تحلیل عاملی به دست آمده نشان می‌دهد مجموعه گویه‌های مذکور، ۶ بعد از ابعاد سرمایه اجتماعی را مورد اندازه‌گیری قرار می‌دهند. مقدار ویژه عامل اول ۴/۲۴ و مقدار واریانس تبیین شده توسط این عامل ۱۶/۹۵ می‌باشد. به همین ترتیب مقدار ویژه و نیز مقدار واریانس تبیین شده توسط سایر عوامل در جدول ذیل نشان داده شده است. در مجموع ۶ عامل استخراجی توانستند ۷۴/۳۷ تغییرات کل را تبیین کنند. (جمع مقادیر واریانس تبیین شده توسط ۶ عامل استخراجی). از طرفی با استفاده از محاسبه آلفای

جدول (۵): نتایج آزمون تحلیل عاملی گویه‌ها (سازوکارها) و آزمون روایی مولفه‌های سرمایه اجتماعی

عامل ها (مولفه ها)	گویه‌ها (سازوکارها)	بار عاملی ضریب روایی مقیاس	مقدار ویژه	واریانس تبیین شده
توسعه مشارکت اجتماعی	گسترش زمینه‌های مشارکت اجتماعی دانشجویان با شرکت در فعالیتهای پژوهشی (استفاده اساتید از مشارکت دانشجویان در انجام طرحهای پژوهشی دانشگاه در ارتباط با موضوعات کشاورزی)	۱/۱۱۸	۴/۲۴	۱۶/۹۵
	آموزش اصول مشارکت اجتماعی به دانشجویان (حمایت مالی- مدیریتی دانشگاه از تشکیل و توسعه تعاونیهای تولیدی- کشاورزی دانشجویی)	۱/۰۳۶		
	گسترش زمینه‌های مشارکت اجتماعی دانشجویان با شرکت در فعالیتهای آموزشی و تدریس (مشارکت دادن دانشجویان در بحثهای کلاسی، ارائه سمینار و ارائه های درسی)	۰/۸۵۱		
	گسترش زمینه‌های مشارکت اجتماعی دانشجویان با شرکت در فعالیتهای پژوهشی خارج از دانشگاه (مشارکت دادن دانشجویان در طرحها و پروژه های تحقیقاتی مشترک بین دانشگاه و مراکز تحقیقاتی)	۰/۶۵۸		
	ایجاد تسهیلات لازم در تشکیل انجمنهای دانشجویی کمک رسانی به کشاورزان (آموزش، مشاوره و امداد رسانی به کشاورزان در مواقع خاص مانند آفت زدگی محصول ... با مشارکت داوطلبانه دانشجویان)	۰/۸۶۹		
توسعه ارتباط و اعتماد اجتماعی	ارتقاء مهارتهای ارتباطی و کسب اعتماد اجتماعی در دانشجویان از طریق التزام آنها در مراجعه به ادارات، سازمانها و مراکز تحقیقاتی مرتبط با حیطه های کشاورزی به منظور انجام تحقیقات درسی	۰/۸۴۷	۳/۴۷	۱۳/۸۶
	تعیین عناوین تحقیقاتی در بخش عملی دروس که مستلزم مراجعه دانشجویان به مزارع کشاورزی و برقراری ارتباط با کشاورزان باشد	۰/۸۶۵		
	آموزش به دانشجویان در چگونگی ارائه خدمات مشاوره ای به کشاورزان به منظور ایجاد پلهای ارتباطی با کشاورزان و کسب اعتماد از آنان	۰/۷۱۷		
	تعیین تکالیف و تحقیقات گروهی برای دانشجویان به منظور ایجاد زمینه های ارتباطی بین آنان	۰/۸۸۸		
	هدایت و مدیریت دوره های کارآموزی دانشجویان به روستاها و مزارع کشاورزان (ایجاد زمینه های ارتباط، تعامل و کسب اعتماد بین آنها)	۰/۸۳۷		
توسعه آگاهی و شناخت	به چالش کشاندن مسایل و مشکلات بخش کشاورزی در مباحث درسی به منظور افزایش آگاهی و تقویت بینش تحلیلی دانشجویان در حیطه های مختلف کشاورزی	۰/۹۶۲	۳/۴۴	۱۳/۷۶
	افزایش آگاهی و شناخت دانشجویان از رویدادها، نوآوریها و دستاوردهای علمی- پژوهشی بخش کشاورزی (چاپ و نشر خبرنامه ها، نشریات و مجلات کشاورزی)	۰/۸۹۵		
	ارائه بخش عملی دروس تخصصی کشاورزی در مزارع و واحدهای تولیدی- کشاورزی (افزایش آگاهی و شناخت دانشجویان از شرایط واقعی انجام فعالیتهای کشاورزی)	۰/۹۸۲		
	ایجاد زمینه ها و امکان حضور دانشجویان در سمینارها و کنگره های علمی- تخصصی کشاورزی	۰/۸۶۴		

ادامه جدول (۵)

عامل ها (مولفه ها)	گویه ها (سازوکارها)	بار عملی ضریب روایی مقیاس	مقدار ویژه	واریانس تبیین شده	
توسعه امنیت شغلی	ارایه آموزشهای کاربردی و عملی، به منظور توسعه مهارتها و توانمندیهای شغلی و در نتیجه امکان جذب در بازار کار و ارتقاء شغلی	۰/۶۶۷			
	ایجاد زمینه های لازم برای ارایه برنامه های آموزشی- عملی توسط کارآفرینان و تولید کنندگان موفق کشاورزی به منظور تقویت روحیه کار آفرینی دانشجویان و تامین امنیت شغلی آنان	۰/۶۸۶	۰/۷۲	۲/۶۶	۱۰/۶۵
	تعیین موضوعات کاربردی مرتبط با زمینه های شغلی آینده دانشجویان در پروژه ها و تکالیف پژوهشی، به منظور رویا رو کردن آنها با شرایط و مهارتهای مورد نیازی که دانشجویان برای کسب امنیت شغلی آینده باید به دنبال کسب و یادگیری آنها باشند	۰/۷۸۵			
	حمایت مالی از طرحهای دانشجویان نوآور و کارآفرین به منظور کمک به تامین امنیت شغلی آنان	۰/۷۹۵			
	ارایه خدمات مشاوره ای- شغلی از سوی اساتید به دانشجویان	۰/۷۱۰			
	طراحی و تدوین حداقل یک ماده درسی در ارتباط با فرهنگ شناسی جامعه روستایی و کشاورزان به منظور معرفی ارزشها و خرده فرهنگهای کشاورزان و جامعه روستایی به دانشجویان رشته های کشاورزی	۰/۷۳۵	۰/۷۲	۲/۴۴	۹/۷۵
	افزایش سطح آگاهی دانشجویان از آداب و رسوم، فرهنگ و ارزشهای فرهنگی- اجتماعی کشاورزان (مباحث کلاسی، تعیین موضوعات مرتبط با این زمینه ها به عنوان تحقیقات کلاسی)	۰/۸۹۶			
	فرهنگ سازی در حمایت از ارزشها و سرمایه های فرهنگی- اجتماعی (ایجاد تشکلهای دانشجویی در حمایت از محیط زیست)	۰/۵۳۶			
	توسعه زمینه های تعاملات و تبادلات فرهنگی- اجتماعی دانشجویان به منظور شناخت ارزشهای فرهنگی- اجتماعی (ایجاد و گسترش وب لاگهای تخصصی در ارتباط با موضوعات فرهنگی در سطح ملی و فرا ملی	۰/۶۷۸			
	برگزاری جلسات مباحثه و پرسش و پاسخ در ارتباط با گفتمانهای فرهنگی، با حضور دانشجویانی از قومتهای مختلف	۵۸۴			
توسعه سرمایه فرهنگی (توسعه به ارزشهای فرهنگی اجتماعی)	برگزاری سمینارها و کنگره های کشاورزی چند رشته ای (بین رشته ای)	۰/۷۴۷			
	برگزاری دوره های آموزشی در ارتباط با آموزش مهارتهای اجتماعی از قبیل همکاری، همیاری و مسئولیت پذیری به منظور انسجام بخشی به شبکه ارتباطات و تعاملات دانشجویان	۰/۷۶۸	۰/۷۱	۲/۳۵	۹/۳۸
	گسترش زمینه های ارتباط، تعامل و همکاری و انسجام بین دانشجویان و کشاورزان (انتقال فناوریها و تازه های کشاورزی به کشاورزان و تولیدکنندگان بخش کشاورزی توسط دانشجویان)	۰/۶۸۳			
	منسجم کردن زمینه های تعامل علمی و تجربی دانشکدههای کشاورزی، کشاورزان و تولیدکنندگان بخش کشاورزی (ایجاد دفتر همکاری صنعت و کشاورزی در دانشکده های کشاورزی)	۰/۶۵۱			
	منسجم کردن زمینه های ارتباط و تعامل دانشجویان با یکدیگر و با اعضای هیات علمی از طریق میادله دانشجو در سطح ملی و فرا ملی	۰/۵۶۳			

عنوان یکی از عوامل مهم تاثیرگذار بر فرآیندهای توسعه اجتماعی و ملی از سوی صاحب نظران مطرح شده است (Fukuyama, 2001). مشارکت اجتماعی در معنای وسیع کلمه در بر گیرنده انواع کنشهای فردی و گروهی ارادی به منظور دخالت در تعیین سرنوشت خود و جامعه و تاثیر نهادن بر فرآیندهای تصمیم گیری در مورد امور جمعی و گروهی است. ابعاد مشارکت عبارتند از: مشارکت اقتصادی، مشارکت سیاسی، مشارکت اجتماعی در اشکال عضویت در گروهها، انجمنها، شبکهها و ...

اولین عامل (مولفه) تبیین شده، حاصل از تحلیل سازوکارهای توسعه سرمایه اجتماعی در آموزش عالی به بعد توسعه مشارکت اجتماعی دانشجویان معطوف است. مشارکت اجتماعی به مفهوم کنشهای هدفمند، ارادی و اختیاری با خصوصیات متعامل بین کنشگر و زمینه اجتماعی و محیطی اوست. از این رو انجام آگاهانه امور یا بخشی از امور در شکل های همیاری و همکاری از روی میل، رغبت، نیاز و با هدف بهبود زندگی اجتماعی و به

نخواهند داشت. آگاهی و شناخت جزء جدائی ناپذیر و ذاتی برقراری روابط اجتماعی است.

عامل (مولفه) چهارم تحت عنوان توسعه امنیت شغلی می‌باشد. امنیت شغلی و امنیت اجتماعی به گونه ای تنگاتنگ با هم گره خورده‌اند. یعنی هرگاه شخص احساس کند از لحاظ موقعیت شغلی در امنیت است، می‌توان گفت، برای او امنیت اجتماعی وجود دارد (Aston, 1999). امنیت اجتماعی در واقع یک پدیده روانشناختی- اجتماعی است که دارای ابعاد گوناگون است. این احساس ناشی از تجربیات افراد، شرایط و اوضاع محیطی و شغلی آنهاست و منابع تامین کننده احساس امنیت نیز برای گروههای مختلف جامعه نیز متفاوت است (Marjaei, 2002). در تحقیق حاضر با توجه به شرایط خاص دانش آموختگان رشته های کشاورزی از نظر شغلی، به بررسی و تبیین سازوکارهایی پرداخته شد که با رویکردهای مختلف آموزشی، پژوهشی و خدماتی- مدیریتی در سه سطح خرد، میانی و کلان بتوان به توسعه و بهبود امنیت شغلی آینده دانشجویان مشغول به تحصیل در رشته های کشاورزی کمک کرد.

توسعه سرمایه فرهنگی که در عامل پنجم تبیین گشته است، معطوف به سازوکارهایی است که منجر به توسعه زمینه های توجه، شناخت و مبادله ارزشهای فرهنگی-اجتماعی یک جامعه که در واقع سرمایه فرهنگی آن جامعه را تشکیل می دهند می شود. این سازوکارها از سطوح خرد (شناخت و مبادله ارزشهای فرهنگی دانشجویان از قومیت‌های مختلف)، تا سطح کلان (توسعه زمینه‌ها و زیر ساخت‌های لازم جهت شناخت و تبادل ارزشهای فرهنگی دانشجویان در سطح ملی و فرا ملی و شناخت آنها از فرهنگ، ارزشهای فرهنگی و سرمایه فرهنگی کشاورزان و روستاییان به عنوان گروه‌های هدف برنامه‌های آینده شغلی دانشجویان مشغول به تحصیل در رشته های کشاورزی) را شامل می شود. بی شک نفوذ و برقراری ارتباط، تعامل و کسب اعتماد از افراد هر جامعه به عنوان جامعه هدف بدون شناخت، توجه و احترام به ارزشها و سرمایه های فرهنگی آن جامعه امری غیرممکن و در صورت امکان بسیار ناموفق و ناپایدار خواهد بود.

این مهم در آموزش عالی کشاورزی از طریق توسعه سازوکارهای تبیین شده در عامل اول و با استفاده از کارکردهای نظام آموزش عالی (فعالیت‌های آموزشی، پژوهشی، خدماتی- مدیریتی) و در سه سطح سرمایه اجتماعی؛ خرد (فعالیت‌های اجرایی در گروه‌های آموزشی) میانی (فعالیت‌های اجرایی در دانشکده های کشاورزی) کلان (فعالیت‌های اجرایی در دانشکده‌ها، سازمان‌ها، گروه‌های هدف و ارباب رجوع در سطح ملی و فرا ملی) قابل دستیابی می باشد.

عامل (مولفه) دوم تحت عنوان توسعه ارتباط و اعتماد اجتماعی است. این عامل یکی از جنبه‌های مهم روابط انسانی و زمینه مشارکت و همکاری میان اعضای جامعه است. ارتباط و تعامل سطح مبادلات را در زمینه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی سرعت می بخشد (. بهبود سطح ارتباطات و تعاملات خود منجر به ایجاد و کسب اعتماد اجتماعی می شود و اعتماد اجتماعی نیز به نوبه خود سطح هزینه های مبادلاتی را کاهش می‌دهد (Hant, 1998). دستیابی به این مهم در آموزش عالی کشاورزی از طریق توسعه سازوکارهای تبیین شده در عامل دوم و با استفاده از کارکردهای نظام آموزش عالی (فعالیت‌های آموزشی، پژوهشی، خدماتی- مدیریتی) و در سه سطح سرمایه اجتماعی؛ خرد (فعالیت‌های اجرایی در گروه‌های آموزشی) میانی (فعالیت‌های اجرایی در دانشکده‌های کشاورزی) کلان (فعالیت‌های اجرایی در دانشکده‌ها، سازمانها، گروه‌های هدف و ارباب رجوع در سطح ملی و فرا ملی) قابل دستیابی می باشد.

عامل (مولفه) سوم تحت عنوان توسعه آگاهی و شناخت قابل بررسی است. این فاکتور یکی از شاخص‌های مهم در ایجاد سرمایه اجتماعی است. این عامل یکی از پیش شرطهای مهم اعتماد و نیز یکی از شرایط لازم برای شکل گیری مشارکت اجتماعی است. بالطبع هنگامی که افراد از ماهیت مسایل شغلی، حرفه ای و اجتماعی مرتبط با رشته تحصیلی خود آگاه نباشند، پشتوانه لازم را در ایجاد ارتباط موفق، ارایه اطلاعات و مهارت مورد نیاز برای حل مشکلات گروه‌های هدف و ارباب رجوع زمینه های شغلی آینده خود

منتقل کننده ایده‌ها، ارزش‌ها، هنجارها، اعتماد اجتماعی و... با ضمانت‌های اجرایی موثر در کنار کارکردهای متداول آموزشی، پژوهشی، خدماتی و مدیریتی خود به دانشگاهیان و دانش‌آموختگان باشد. از این رو دانشگاه و نظام آموزش عالی به عنوان یکی از کانون‌های اصلی ایجاد، توسعه و ظرفیت‌سازی سرمایه اجتماعی در سطح جامعه محسوب می‌شود و هر گونه عدم توجه آموزش عالی در راستای ایجاد، تولید و افزایش کیفیت سرمایه اجتماعی، منجر به عدم اثر بخشی و ناکارایی نهاد آموزش عالی در پیشبرد برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه و کشور خواهد شد.

از سوی دیگر در عصر جهانی شدن، ورود فرد به شبکه اجتماع جهانی و بهره‌مندی از مزایا و حمایت‌های شبکه‌ای، جلب همدلی، اعتماد و پشتیبانی از افرادی که هم‌اکنون در موقعیت او در شبکه‌های اجتماعی، اقتصادی، حرفه‌ای و... مشابه قرار دارند، نیازمند کسب قابلیت‌ها و توانمندی‌های ویژه‌ای است که کنشگر باید بتواند آنها را به دست آورد و در به کار گرفتن آنها نیز مهارت بیابد. این قابلیت‌ها و توانمندی‌ها در جامعه نوین (مدرن) امروز، سرمایه اجتماعی کنشگر محسوب می‌شوند که باید از منابع اولیه (خانواده و اجتماع) و ثانویه (نظام‌های آموزشی و در بالاترین سطح خود نظام آموزش عالی) کسب شوند. در این بین آموزش عالی باید در مسیر رشد کمی و کیفی خود و با برنامه ریزهای کوتاه مدت و بلند مدت در زمینه ارتقاء و توسعه مولفه‌های سرمایه اجتماعی به بلوغ، رشد و توسعه متوازن علمی، عملی و اجتماعی دانش‌آموختگان کمک کند.

به عبارت دیگر دانشگاه‌های ایران، نیاز دارند با بهره‌گیری از نظرات و الگوهای توسعه سرمایه اجتماعی، زمینه‌های لازم را به منظور توسعه مولفه‌های سرمایه اجتماعی (مشارکت اجتماعی، اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی و...) در دانشگاه و مراکز آموزش عالی و در نتیجه یادگیری مهارت‌های پایه‌ای مرتبط با آن (مهارت‌های اجتماعی، جامعه‌پذیری و...) فراهم سازد. این مهم از طریق طراحی، تبیین و سپس اجرای سازوکارهای توسعه دهنده مولفه‌های سرمایه اجتماعی در آموزش عالی امکان‌پذیر می‌باشد.

تبیین ۶ مولفه از مولفه‌های سرمایه اجتماعی، یعنی؛

عامل (مولفه) ششم تحت عنوان توسعه انسجام اجتماعی (تعلق جمعی میان اعضای یک جامعه که حاصل پذیرش و درونی کردن هنجارها و ارزش‌های مشترک بین آنها)، به مقوله افزایش همبستگی اجتماعی نظر دارد و یکی از مولفه‌های مهم سرمایه اجتماعی است. انسجام اجتماعی به مفهوم همبستگی و حمایت افراد جامعه از یکدیگر است. انسجام و همبستگی اجتماعی در جامعه‌ای به وجود می‌آید که از یک حس تعلق جمعی برخوردار باشند. این مهم نیز خود متأثر از ایجاد احساسات مشترک در بین اعضای یک جامعه، پذیرش نظرات سایر افراد اجتماع، احساس مسئولیت در قبال وظایف اجتماعی محول شده، کمک به گروه‌های ارباب رجوع و... می‌باشد. این مهم در آموزش عالی کشاورزی از طریق توسعه سازوکارهای تبیین شده در عامل ششم و با استفاده از کارکردهای نظام آموزش عالی (فعالیت‌های آموزشی، پژوهشی، خدماتی-مدیریتی) و در سه سطح سرمایه اجتماعی؛ خرد (فعالیت‌های اجرایی در گروه‌های آموزشی) میانی (فعالیت‌های اجرایی در دانشکده‌های کشاورزی) کلان (فعالیت‌های اجرایی در دانشکده‌ها، سازمانها، گروه‌های هدف و ارباب رجوع در سطح ملی و فرا ملی) قابل دستیابی می‌باشد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

نگرش برنامه ریزان آموزش عالی به تبعیت از دیدگاه نظری سرمایه انسانی طی دوره‌های گسترش کمی آموزش عالی بر جنبه‌های خاصی از مهارت‌های پایه (آموزش‌های تخصصی و حرفه‌ای) تاکید شده است. هم‌اکنون که اقتصاد وارد عرصه جدیدی از نظام منعطف و دانایی شده است، به تدریج دیدگاه سرمایه انسانی کارکردهای خود را برای توصیف، تبیین و برنامه ریزی در آموزش عالی از دست داده و رویکرد جایگزینی با عنوان سرمایه اجتماعی با مفروضات خاصی ظاهر شده است. در رویکرد سرمایه اجتماعی آموزش مهارت‌های پایه در آموزش عالی جایگاه ممتازی یافته است و علاوه بر مهارت‌های پیشین مهارت‌های ضروری دیگری را برای دستیابی به اهداف غایی آموزش عالی پیش‌بینی کرده است.

فضای ساختاری دانشگاه‌ها و آموزش عالی می‌تواند

خود زمینه ساز توسعه سرمایه اجتماعی دانشجویان می‌باشد، چرا که عضویت و شرکت در فعالیت‌های سازمانی و گروهی منجر به توسعه مشارکت اجتماعی، روابط، کنش‌ها و اعتماد اجتماعی، توسعه روحیه کار گروهی، همکاری، تعلق جمعی و انسجام اجتماعی، پذیرش ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی از جمله؛ تعهد، التزام و مسئولیت‌پذیری در فعالیت‌های گروهی شده و همچنین زمینه‌ای برای تضمین امنیت شغلی (به عنوان بخشی از امنیت اجتماعی) دانشجویان می‌باشد.

- پیشنهاد می‌شود آموزش عالی کشاورزی به عنوان بخشی از نظام آموزش عالی، با فراهم ساختن شرایط و تسهیلات لازم در تشکیل " دفتر همکاری صنعت و کشاورزی" در دانشگاه، زمینه توسعه بخشی از مولفه‌های سرمایه اجتماعی دانشجویان را فراهم سازد. این سازوکار که هم اکنون در برخی از کشورهای جهان از جمله استرالیا در حال اجراء می‌باشد، مستلزم توافقاتی از سوی دانشگاه (ارایه مشاوره‌ها، دوره‌های آموزشی و انجام تحقیقات مرتبط و مورد نیاز تولیدکنندگان صنایع کشاورزی) و بخش صنایع کشاورزی (صنعت تولید، فرآوری و صادرات محصولات کشاورزی) می‌باشد. این صنایع ضمن تامین هزینه‌های تحقیقاتی دانشگاه در ارتباط با نیازمندی‌ها و مسایل بخش صنایع کشاورزی، زمینه مشارکت اجتماعی دانشجویان در فعالیت‌های تحقیقاتی مرتبط با حیطه‌های شغلی آینده آنها و در نتیجه زمینه جذب و تامین امنیت شغلی آنها را فراهم ساخته و موجب ارتباط، تعامل و انسجام شبکه‌های اجتماعی فعال در بخش کشاورزی می‌شود.

مشارکت اجتماعی، ارتباط و اعتماد اجتماعی، آگاهی و شناخت، امنیت شغلی (به عنوان بخشی از امنیت اجتماعی)، سرمایه فرهنگی و انسجام اجتماعی از طریق سازوکارهای طراحی و پیشنهاد شده با فراوانی تجمعی ۷۴/۳۷ درصد واریانس حاصل از تحلیل عاملی دیدگاه پاسخگویان نسبت به سازوکارهای پیشنهادی توسعه دهنده مولفه‌های سرمایه اجتماعی نشان از تبیین اعتبار و عملی بودن سازوکارهای مذکور و قابلیت پیگیری و تلاش در جهت اجراء سازوکارهای طراحی شده به منظور کسب مهارت‌های اجتماعی به عنوان بخشی از مهارت‌های ضروری و مورد نیاز دانش‌آموختگان نظام آموزش عالی به طور اعم و نظام آموزش عالی کشاورزی به طور اخص، با توجه به شرایط و نیازمندی‌های عصر کنونی می‌باشد. به منظور دستیابی به اهداف مذکور در پایان پیشنهادهایی جهت برنامه‌ریزی در این خصوص ارایه می‌گردد.

- پیشنهاد می‌شود آموزش عالی کشاورزی به عنوان بخشی از نظام آموزش عالی، با استعانت از کارکرد آموزشی (برگزاری دوره‌های آموزشی، استفاده از تجربیات و آموزش‌های کارآفرینان و تولیدکنندگان نمونه و موفق کشاورزی)، کارکرد پژوهشی (طراحی و اجراء پروژه‌های تحقیقاتی در ارتباط با زمینه‌های تولیدی موفق در حیطه کشاورزی)، کارکرد خدماتی-مدیریتی (ایجاد صندوق حمایت از طرح‌های دانشجویان نوآور و کارآفرین، ارایه خدمات مشاوره‌ای)، تسهیلات لازم جهت ایجاد و گسترش زمینه‌های کارآفرینی سازمانی دانشجویان را فراهم سازد. کارآفرینی سازمانی

REFERENCES

1. Adelman, W. (2004) Investment in human capital: AM; *Economic Review* . 51-1-17, 1975
2. Aston, N.M., C.A. Nathanson, R.schoen & Y.J.Kim, (1999): Family Demography, social Theory, and Investment in social capital, *population and Development Review*, 25 (1), pp.1-3.
3. Australian Bureau of statistics (2003), *ABS Draft social capital Indicators for Discussion of workshop*, Wednesday 4th June.
4. Australian Bureau of statistics. (2000), *social capital and social wellbeing*, sage publication.
5. Barro.R.j & Lee, j. (1996) International measures of schooling years schooling quality. *American Economic Review* 86 (2), 218-223.
6. Barro.R.j. (1991) Economic growth in a cross section of countries. *Quarterly journal of Economics* 106(2), 407-443.
7. Becker, G. (1964), *Human capital: A Theoretical and Empirical and with special Reference to Education*; New York: National Bureau of Economic Research.
8. Bullen, P. & jenny, O. (1998). Measuring social in five communities in NSW, Neighborhood and community centers in: *Journal of Applied Behavior*, 36(1), march 2000.

9. Carnevale A.P. (1990), work place Basics: The Essential skills Employers wants; San Francisco: jossey- Bass publishers.
10. Coleman, J. (1999). *Foundation of social Theory*, Belkrap press, Cambridge.
11. Coleman, J., (1994). *Foundation of social Theory*, Harvard University press.
12. Ejtehadi, M. (2007), social capital. *Human sciences*: 53, 405-416. (In Farsi).
13. Franklyn, G. , Clawson Qin. (1998), Basic skill Deficiencies in the work place: Differences between large and small Businesses; *The Entrepreneurial Executive*, 1 (1) P.1-9.
14. Fukuyama, F. (2001), Social capital, civil society and Development, *Third world Quarterly*. 22 (1), P.7-20.
15. Gibbs, G., C. Rost, A. Jenkins & D. Jacques. (1994), Developing students transferable skills; Oxford, The oxford center for staff Development.
16. Greanan, K., Humphreys P. & Mcllven, H. (1997). Developing work- Based Transferable skills for Mature students; *Journal of Further and Higher Education*, ZI (Z) P.193-204.
17. Grootaert, C., Oh, G. T. & Swany, A. (2005). Social capital, household wefare and poverty in Burkina Faso. *Journal of African Economies*, 11(1): 4-35.
18. Hant, P., et al. (1989), "community" is what I think everyone is talking about; *remediate and special education*. 21, (5),. 305-317.
19. Institute of Research and Planning in higher Education, (2008), *statistic resource of public Universities*. (In Farsi).
20. Kamps, D., Greenwood, C.R (2006, February). *Strength of treatment as a Mediator of three tiered reading intervention effects*. Washington, D.C.: office of special Education programs, USDE.
21. Kilpatrick, S & Falk, L. (1999), what is social capital? A study of interaction in a rural community, Faculty of Education, University of Tasmania, paper D5/1999, *In the CRLRA Discussion paper series*.
22. Krishna, A. & Elizabeth Sh. (2000), Cross- cultural Measure of social capital: a Tool and Result from India and panama, Washington, DC, *world Bank social capital Initiative paper*, No.21, October.
23. Loury, G. (1997), A Dynamic Theory of Racial income Differences, In: *Women, Minorities and Employment Discrimination*. MA: Health.
24. Lucas jr., R. E. (1988), on the mechanics of economic development. *Journal of Monetary Economics* 22, 23- 42.
25. Mankiw, N.G., Romer, D. & Weil, D.N. (1992), A contribution to the empirics of economic growth. *The Quarterly journal of Economics* 107 (2), 407-437.
26. Mansoorfar, K. (1997), *statistic methods*, university of Tehran, revised 5.(In Farsi).
27. Marjaei, S.H, (2002), *Study and Assessment the social capital in universities' student*, Institute of Research and Planning in higher Education. (In Farsi).
28. McLaugh Lin, M. (1995), *Employability skills profiles: what are Employers looking for*; Eric Document Report no: ED 399484.
29. Portes, A. & Landolt, P. (1996), The Downside of social capital, *The American prospect*, 26, 18-22.
30. Robeyns, J.S. (2005), civil society and NAFTA: initial results. *Annals of the American academy of political and social science*, 565: 113-25.
31. Schultz, T.W. (1961), Investment in Human capital; *American Economic Review*. 1, (1), 1-22.
32. Sim, W.K. (1998), project SOLD: An overview; *care Review*; 146: 156, New York Basic Books.
33. Social capital Benchmark survey (2000), New York Basic Books.

